۱۲ در صفحه ۱۲ بخوانید...

= خاطرهایبردوش |بر

= نعشروىزمين،افغانىاست|-

من یک بندیازم | به نه جعفری نژاد

حدود ۷ ماه پیش به همراه همسر آقای جهانگیر هدایت به دیدار خانم شهلا توکلی همسر تختی رفتم ابنسال در بستر بیماری بوده در همان دیدار ایشان راخانمی روشنفکر و انادیدم. شخصیت خانم توکلی بهشست مرا تحت تأثیر قرار داد وقتی

میخواستم خانهاش را ترک کنم، خطاب به من گفت: ۱۱گر دوباره ۲۰ ساله م

سی خواستیم خاندس از طرح تنهم خساب بدس عند. از طوبوره ۱۰ سانه این مستخدی زمان به عقب برمی گشت، باز هم با تختی از دواج می کردم ا به خانه بر گشتم. آن قدر متأثر شده بودم که سوگ شهلار اهم نوشتم و به سوییت سمفونی تختی افزودم...



در صفحه ۱۱ بخوانید.

یرسشی در باره طرح مجازات براي نگهداري از سگهای خانگی

: سندعلي طاهري، محمدمهدي جعفری،شاهینسپنتا جعفری،شاهینسپنتا







بادداشت

میلدگرگونی در جوانان، هراس در مدیران

أن جامعه را منهدم كرده و موجب فروپاشـــى أن

شــود، اما دُر دنیای امروز پُویایی اساس و ماهیت

جامعه است و اگر جامعه ای نتواند با تغییرات هماهنگ شده و ایدههای تازه، فناوری های نوین

و دگر گونی های لحظهای را نیذیب د، این جامعه ر ر ر ر ری صدی این به داد. محکوم به فناست. چراکسه چنیسن جامعهای نمی تواند در عرصه بین المللی با جوامع پیرامون

خود که در حال تغییر دایمی هستند، رقابت کرده و نهایتا بسازی را واگذار می کند. این رقابت مانند

قابت صنایع و شـر کتهای بزرگ تولیدی است

ر میان می به استان که این میان ایده ای نوان میان میان در بازی جدید استفاده کند، در بازی بار قباشکست می خور د.

جوامع ایستاومقلوم در برابر تغییرات واصلاحات و جوامعی که متکی بر سکون هستندنیز ماننداین

شے کتھا محکوم بہ اضمحلال و نابودی، شکاف

d'A معمــولاجامعــه پویــا را در مقابل ایســتا قرار ی دهند. جامعه ایستا نیز جامعه ای است که گذر

سی سنده بسته پسته یو بسته که تدر زمان چندان نقشی در آن ندار دو پیوسته یک شکل خاص از رفتارها دو اکنشها، نهادها و حتی ارزشها در آن دیده شده و نسل به نسل این وضعیت ادامه ی جامعه ایستا جامعهای اسـت که اگر مدتی از

آن دور شــویم، چیزی از دست ندادهایم. زیرا هر آن دور شرویم، چیزی از دست ندادهایم، زیرا هر زمان که به آن جامعه بازگردیم، شساهد شرایط قبلی بدون هیچ تغییری خواهیم، بود. در مقابل جامعه پویا، جامعهای است که در گیر تغییر و تحول است و مدام نو به نوشده و دگر گونی را کنیم، تغییرات مهمی در رفتارها، نگرشها، کنیم، تغییرات مهمی در رفتارها، نگرشها، آداب و رسوم و حتی فرهنگ مادی آن جامعه مشاهده می کنیم. از سوی دیگر در جامعه پویا جوانان نقش و تاثیر

جدی تری دارند، در حالی که در جامعه ایستا، این پیران و سالمندان هستند که همه امور در اختیار نهاست. در جامعه پویا، روحیه اصلاحطلبی و سختی از خود نشــان داده و عمومااین تغییرات را نمی پذیرد بااین اوصاف باید بپذیریم که در دنیای امروز جایی برای جامعه ایستا وجود ندارد. زیرا در دنیایی زندگی می کنیم که لحظه به لحظه در حال دگر گونی است و هر لحظه یک فناوری نو، ایدهای نوین و یک نگاه تُازه به جهان و زندگی وجُود دارد. در گذشته این گونه تصور می شد که ماهیت یک جامعه برايستا بودن آن استوهر تغييري مي تواند

با بنیانهای ارزشیی و هویتی جامعه باشد. حال ۰۰ ـ ـ ت ت ت رز حق کر ر ـ ی . سمکناست برخی هااین پرسش رامطرح کنند که آیااین تغییرات و دگر گونی ها همواره مثبت است و اگر مثبت است، چرامردم همواره شرایط گذشته را بهتراز شرايط حال مى دائند

نرُ پُاسسَخ به این افراد باید گفت کسه نگاه فوق تنها مبتنے پر یک حس نوســتالژیک اســت که به طور قطع گذشته مزایا و معایب خود را داشته - رسح سست مربو معیب حود راداشته و تغییرات جدید همراه خود مزیتهای جدید و به طور طبیعی نواقص و اشکالات تازه ای را ایجاد

ـت که پویایی یک جامعه در دنیای ب مهم این اس مدرن امروز تاثیر خودرابر جای می گذارد. رویای گذشته بیشتر مانند گفت و گویی است که

در مراسی خود را حجود شده به در مقابل خود را خود می در از خود دار خود نشان داده و موسایات مقابل خود این داده و عمومایان تغییرات مقاومت بختی از خود دنیای امروز جایی عمومیایی تغییرات را نمی باید بدیدی خود دنیای امروز جایی در دنیای امروز جایی در در این در نمایی امروز جایی در در حادث به است و می در حال در در جار دنیایات که دختیا به تحقیم در حال دگر گونی است و هر لحظه یک فناوری نوایدهای نویین و یک نگاه تازه به جهان

ــتا و مقاوم در برابر تغییرات و اصلاحات و جوامعی که متکی بر سکون هستند نيز مانند اين شــ کټها محکوم په اضمحال و نابودي، شکاف يين نسل ها مسسد بو مصد بین صدر نصاه محجوم به اصفحات رو مونوی اشاقه بین سل ها. و در نهایت آنقطاع نسلی هستند النبه این تغییرات و اصلاح گری ها باید هماهنگ: بناین های آرزشی و هویتی جامعه باشد حال ممکن است برخی هااین پرمش را مطرح کنند که آیا این تغییرات و دگر گونی ها همواره مثبت است و اگر مثبت است. چرا مردم همواره شرایط گذشته را بهتر از شرایط حال می دانند.

میشــود. در این گفتو گو فرد شهرنشین همواره در رویای زندگی روستایی است و روستاییان نیز در آرزوی مهاجرت به شهرها.این گپوگفت و آرزوها رامدام شاهد هستیم،اما یک نکته مهم وجود دارد و این است که مسیر حرکت همواره از روستا به شهر است و نه برعکس بنابراین گرایش اصلی و حاکم، گرایش به تغییرات بوده و حتی کسانی که وجودداشته باشند، تعدادشان بسيار اندك است . با این تعریف از جامعه پویا و جامعُه ایســـتا، ایـ پرســش مطرح میشــود که ما در کدام شــرایط

رر ربی به نظر من، جامعه ما حالتــی دوگانه دارد. از یک . جنبههایی بسیار پویا است. چراکه ترکیب سنی جامعه جوان بــوده و اکثریت را جوانان تشــکیل مے دھند و این جوانان مشتاق دگر گونے، بهروز شدن وتغييرات واصلاحات هستا متن جامعه ما بسیار پویا بوده و در متن به شدت از تغییر و دگر گونی اسْتَقْبال کرده و در این امر بسیار جدی است، اما متاسفانه به نظر می رسد، مدیریت . جامعه ما پویانیست و به عبارت بهتر در برابر هر

به سند ته پریه نیست و به خبارت بهتر در بر بر در تغییری نیز به سختی مقاومت می کند. به عنوان نمونه طی روزهای اخیر مرگ یک جوان . هنرمندبه نام مرتضی پاشایی را شاهدبودیم و همه ما واکنش متن جامعه و جوانان به این خبر ناگوار را دیدیم. این واکنش نشان داد که نسل نو جامعه اصلاح، گرایش دارد، ولی درمقابل میل جوانان به دگرگونی، مدیریت جامعه از این تغییر استقبال

این پارادوکس مشکلات جدی نیز برای جامعه بی پر خوسی مسادر که باید در جای خود امروز ایسران به وجود آور ده که باید در جای خود درباره آن بحث و گفت و گو کر د.

کند

---در جامعهای با فرهنگ پویا، نهادهای متعدد

شرايط مختلف احساس مسئوليت و وظيفه

نداشته باشندو بگوینداین جامعه مال مانیست

نشان إزايستايي جامعه است.

تعامل فرهنگي

نیست و عناصر فرهنگی را فقط از دیگران نمی گیسرد، وقتی ما بدانیسم فرهنگ خودمان نیازهایمان را برطرف می کند، به فرهنگهای دیگر رو نمی آوریم. زیرا فرهنگ خودمان قادر است امنیت و خودشکوفایی را برای ما تأمین

جامعه پویــااز مفاهیـ جامعه ای می گوییه که فرهنگ و مظاهر فرهنگی آن در اختیار و مورداستفاده همه مردم جهان قرار گیرد. فرهنگ نباید غیرقابل در جامعهای با فرهند پوید، بهادهای معمد به صورت عملیاتی و کارسردی کار می کنند سازمانها فعال هسستند و یک لحظامشان به هدرنمی رود آنهاسعی می کنند حداکثر تولید راداشته باشند،چون مردم جامعه رااز خودشان می دانند، وقتی مردم از جامعه کنار بکشند و در ، بلکه باید درش را به روی انواع فرهنگها باز کند و اجازه دهد که فنون جدید واردشده و به سهولت مورداستفاده قرار بگیرد. کشـوری که درهای خـود را روی دیگران ببندد فرصتهای خود را از دست می دهد زیرا مادر هر زمینه ای به تبادل نیاز داریم. به خصوص به خُاطرُ قدمت تاریخی مان نیاز به پویایی بیشتری داریم چرا که اگر این فرهنگ و تاریخ محدود شـود و فقط در بندستایش گذشته

باشـــیُم، فرهنگمان در گذرزمانمدفونمیشود. اما اگر سے تعامل باعناصر فرهنگی جدیــد در همه دنیــا بپــردازد، آن وقت مى تواند خودرابه روز كند ودر عين اين كه اساس و بابه خود ، احفظ مے کند پیه خودرا خططانی تند. یعنی خاص گرایی را حفظ و عام گرایسی را اخذ کند. ر ارتان جامعه پویا از نظر مردم، جامعه ای است که مردم آن بــا در دســت گرفتن امکانات فرهنگی بتوانند كاملا نيروهاى بالقوه خود را به نیروهای بالفعل تبدیل کننـد لازمه این امر این است که امکانات

. ــترس همــه قرار نمیماندوجهانیمی شُود. یعنی آن جامعه دیگـر فقط مصرف کننده

ر بعد روابط اجتماعی نیز جامعــه پویا با روابط اجتماعی نزدیک به هم تعریف می شود. در روابط چنین جامعهای مهم اجتماعی است که جامعه پویااز نظر مردم، جامعهای است که مردم آن بادر دست گرفتن امکانات فرهنگی بتوانندکاملا ، مبنای اعتماد شـکل بر ب می گیرد افراد نسـ هم همبســته هستند و نب وهاي بالقوه خودرابه دارند. دسست به دسست هہ و یا همــکاری جامعه مهروبه میسازند. این جا دیگر را میسازند. این جا دیگر رقابت تعیین کننده

نيروهاىبالفعل تبديل كنند. لازمهاین امراین است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرندواین باعث می شود كهاستعداد،هنرونو آوري وخلاقيتى درافرادنهفته نماند،بتوانند آنرابروز دهند وجامعههمبه آنبهادهد. همچنین افراد آن جامعهباید بتوانندهنرو تولیدخودرادر سطح جهاني همارايه كند

در دستری گیرد و این اعتمامی شود که استعداده هنر و نواوری و خلاقیتی در افراد نهنته نماند، بتوانسد آن را بروز دهند و جامعه نمی دهند دیگری در کار خود موفق شهر داری همیده آن بهادهد، همچنین افراد آن جامعه باید به در با در باید از در سطح جهانی هم به در در در سطح جهانی هم سازم در براها دیدایی کار سیازمان آب و فاضا کی ارایه کنندوقتی مردم در یک جامعه بوباباشند، کنندهٔ شدهٔند، یک بار ســـازمان آب و فاضّلاب فعالیتهای تولیدی درسطح همان جامعه باقی دوباره کاری می کند.

پیش بردن خُودشان فکر میکنند و این باعث

میشود با دیگران متحد

بود کے حتی راندمان کاری دیگران هم خنثی

وند. در اینجا راندمان كارى نەتنها بالانخواھد

ستر عمان محموم به المساح المسلم هستند. بین نســلها و در نهایت انقطاع نســلی هستند. البته این تغییرات و اصلاح گری ها باید هماهنگ میان یک فردشهری و یک فرد روستایی مطرح • در جامعه پویا، روحیه اصلاحطلبی و دگر گونسی وجود دارد، اما جامعه ایستا

آزادي و عقلانيت لازمه جامعه يويا



بعداز دوره مدرن تعريف متمايــزى از جامعه واكنشهاى مُوثر صُورت پُذيرفت؛ جُامعُه پويارا بايدجامعه واكنشهاى موثر دانست. در اين تعريف ۳ مولفه لزوم پویایی و رسیدن به واکنشهای موثری که عنوان شد، نیاز است. مولفه نخست

وجود احزاب، موسسات و نهادهایی بود که منشأ و خُاسَتْگاه اُجتماعی داشتندنه سیاسی؛ افراد دریک مناسبات معقول دست به کنشهای نظاممندموثر برای پیشبرد اهداف مشــترک خود میزدند. هر نقش در بافتهایی که نظام کل را تشکیل می داد، س روسین می روسین فعالیت داشت و وجود این نهادها افقها را ترسیم می کرد کسه در آن هر فردی نقشی از یک کل را برعهده دارد و فــرد خود را جدا از دیگری نمی دید. مولفه دوم آزادی است؛ جامعه بدون آزادی هیچ

رمانی می توانیم از آزادی های موثر سخن بگوییم که همه افرادانسانی در چار چوبی که از سوی قانون تعریف شده است در حوزه های اجتماعی، سیاسی، فکری، فرهنگی و اقتصادی بتوانند استعدادهای خودرا بروز دهند و جامعه و نظام سیاسی مطلعی برای این نقش آفرینی سیاسی باشد آزادی عنصری است که چنان از درجه اهمیت برخوردار است كه شايد بتوانيم بگوييم مهم ترين مُولُفهُ جامعه

واكنشهاي موثر، همين مفهوم است. هر جامعه اي نیرویی برای انجام فعل موثر ندارد؛ به عبارت دیگر که فاقد آزادی باشد دچار یاُس و ســرخوردگی میشود آنچنان کهافرادبهسوی انفعال و بی تفاوتی نی سرد بیس و سرد به سوی سد این و پیش می روننده به بیان دیگر جامعه به بدون آزادی جامعه ای سرخور ده است و هیچ علایم حیاتی که در آن جامعه به معنای یک مجموعه محسوب شود ر س. و انداموار باشــد و مثل بدن انسان همه اعضا برای حیات و پویایی فعالیت کنند، دیده نمی شود. ادامه در صفحه ۱۰